

صاحب امتیاز: میرزا سید محمد باقر
محل اداره: تهران: سه راه سیروس
نشانی تلگرافی: ایراسال

ایران

شماره ۱۰۰ ریال
تک شماره - ۲ ریال

سال دوم شماره ۵۵ روزهای پنجشنبه منتشر می‌شود ۲۰ آذرماه ۱۳۲۶ ۳۰ آذر اول ۵۷۰۸

چرا مجلس و دولت توجهی بحال ملت ایران ندارند؟

آیا روش خلاف قانون آریه و هو اخوانان او مورد تأیید مجلس و دولت است؟

یهودیان ایران طبق قانون اساسی حق خود را مطالبه میکنند و باید به آنها داده شود

دردوران جنگ اخیر که ملت ایران نیز بنوبه خود برای نابودن کردت وحشیان نازی و محو آثار پیداکری و بنظور استقرار صاحب مانند سایر ملل آزادیخواه و مبارز، فشارهای آن جنگ خونین را بر خود هموار نمود سنگینترین بار آنرا تحمل کرد، چنین امیدوار بود که پس از خاتمه جنگ سهمی از مزایای صلح عمومی از لحاظ آزادی و دموکراسی و عدالت اجتماعی و بهبود وضع زندگی نصیبش خواهد شد. ملت ایران امیدوار بود که هیئت حاکمه اش و دستگاہ حکومت آن پس از جنگ تغییر ماهیت دهد و تا اندازه ای در برابر سختیها، گرسنگیها، محرومیتها بیخوف پایمال شده خود برسد جریان پس از جنگ و اوضاعی که پیش آمد، اعمال نفوذهای سیاستهای خارجی و سرسپردگی بعضی از رجال مملکت درآستانه بیگانگان این امید را بیاس مبدل کرد و همان وضعی را برای ملت ایران درست کردند که سالها در فشار نکبت بار آن دست و پا میزد و بارها بقیه در صحنه



دردوران جنگ اخیر که ملت ایران نیز بنوبه خود برای نابودن کردت وحشیان نازی و محو آثار پیداکری و بنظور استقرار صاحب مانند سایر ملل آزادیخواه و مبارز، فشارهای آن جنگ خونین را بر خود هموار نمود سنگینترین بار آنرا تحمل کرد، چنین امیدوار بود که پس از خاتمه جنگ سهمی از مزایای صلح عمومی از لحاظ آزادی و دموکراسی و عدالت اجتماعی و بهبود وضع زندگی نصیبش خواهد شد. ملت ایران امیدوار بود که هیئت حاکمه اش و دستگاہ حکومت آن پس از جنگ تغییر ماهیت دهد و تا اندازه ای در برابر سختیها، گرسنگیها، محرومیتها بیخوف پایمال شده خود برسد جریان پس از جنگ و اوضاعی که پیش آمد، اعمال نفوذهای سیاستهای خارجی و سرسپردگی بعضی از رجال مملکت درآستانه بیگانگان این امید را بیاس مبدل کرد و همان وضعی را برای ملت ایران درست کردند که سالها در فشار نکبت بار آن دست و پا میزد و بارها بقیه در صحنه

نامه یکی از برادران مسلمانان ما

چنانکه بارها مذكر شده ایم یکی از اردوهای روزنامه اسرائیل ایجاد حس و آهنگ این کلمه عناصر مغربی و وطن پرست میباشد. خوشبختانه این آرزو برآورده شد و است زار جوانان روشنگر ایران و افراد وطن پرست بی آن حقیقت برده اند و باطلات خود را با زور و حدت لبروی می ایزان داشته اند.

دائرة المعارف جدید یهود Grand Encyclopédie Juif. اخیراً در السطین اقدام بنای یک دائرة المعارف بزرگی در ۱۶ جلد با ۴ هزار فصل شده است که براساس ایشین و بول نظر از برندگان جایزه او بل بلاوه شش هزار اوینده معروف برای تالیف این اثر گرانمایه و تاریخی قلم در دست گرفته اند.

چرا خود را کنار میکشید؟

مگر جامعه ما نفرین کرده شده است

ما جوانان خود را برای ایجاد یک جبهه واحد علیه زبونیها و خرافات دعوت کرده ایم و آنها را با یار و یار و جان این دعوت مازا پذیرفته و آمادگی خود را حتی از اقصی نقاط کشور اظهار کرده اند اما در مقابل گروهی را می بینیم که در این دعوت و آمادگی ما برای ما مورد احتیاج است خود را از اجتماع کنار میکشند چنانکه گروهی اینها برداشتن جامعه هستند.

مسئولین بلا تکلیفی جامعه را بشناسید

دائرة فعالیتهایی که روزنامه در راه روشن شدن تکلیف جامعه ما در برابر آریه و عدل خلاف وجدان طرفداران او می نمود چند نفر از پادوهای او که در راه تحمیل آریه بسیار مؤثر بودند در چندی قبل بنا قول دادند که تادومفته دیگر وضعیت را روشن میکنند یا آریه را پایمال میکنند یا او را وادار باستقامتی نمایند. هفته ها گذشته از آریه خبری شد و نه از نتیجه اقدام هو اخوانان او. چرا که در این میان عهده دار بزرگترین مسئولیتها است باسکتور و سستی خود هم عمل خاصانه آریه و طرفدارانش را تأیید میکنند و هم کمک به پایمال شدن حق یک جامعه می نمایند. چنین است روش چند نفری که بنام خدمت جامعه برای بیچارگی مردم بیکی دیگر دست اتحاد داده اند.

آخرین امید - یا طالع آخرین

The Last Chance

آداب معاشرت

د موشخ زیر تحت عنوان «آداب معاشرت» فنی از سخنرانی بانو حکمت در جلسه عمومی سازمان با باوان بود است که از «با باوان امینی که برای با باوان خصوصاً برای با باوان دارد بدرج آن» شماره های پنج چاپ خواهد رساند.

این سطور مختصری بود که برای نخستین بار ترازست در مطبوعات جهان منعکس شود.

سطوری که معلق معارف و معانی و معانی است موضوعی که از شنیدن آن جان بارزه می آید این سرزمین که آفتابش پناهگاه هزاران فراری است، ملجأ و پناهی است. برای آناییکه از کشتار ستمهای اروپا فرار کرده و جانی سلامت بر سر برده اند.

این زن که بر این زده تکیه داده وحشت و اضطراب بر او حکم فرما است بقیه در صحنه ۲

جامعه ششبارتر از آنست که بعضی عناصر بی خبر بتوانند آنرا فریب دهند

چند سالی است مد شده بعضی از روزنامه ها برای اثبات رشادت و شجاعت با پارک بینی خود یک مشت نقش و ناسزا در لانه الاطافه و بی سرو ته تحویل خوانندگان خود میدهند. متأسفانه این نشانه ها بجای مطالب اساسی همیشه در اختیار بعضی مردم بنیوی این آب و خاک قرار میگیرد و وقتی این گونه اوینندگان فرصت طلب دور بر میدارند برای آنکه بیشتر شهرت پیدا کنند و شجاعت و قدرت قلم خود را بیشتر بر رخ مردم بکشند در وهای شاخ داری را چهل امده و زمین و زمان را بیاد ناسزا میگیرند همه را بیدریغ هدف توب های میان تپی قرار داده جملات ملت جاهل ملت مغرور، مردم سست عنصر بی قیامت را بسا کمال بی

طرز ختنه امروزی مقابل انتقالات است

ش ۴۰۰ شایسته با فلاسفه آشنا شوید

مهمترین اخبار هفته گذشته

خارجیه

استغناء معاون اداره اطلاعات سفارت کبرای کشور های متحده آمریکا در مسکو بطوریکه خبرگزاری تاس اطلاع میدهد بانو انابلا بیوکار میان اداره اطلاعات سلاطت کبرای کشور های متحده آمریکا در مسکو از خدمت سفارت کبرای آمریکا استغناء داده و نامه زبر را بعنوان آقای اسمیت سفیر کبرای آمریکا در مسکو ارسال داشته است.

داخله

توقیف برادران لنگرانی بنابستور دادستان کل کشور از طرف اداره شهر باالی آذربایجان برادران لنگرانی را توقیف نموده و از منزل مشارالیهم بازرس بمحل آمده ملت توقیف هنوز از طرف دولت اطلاع داده نشده و روی وزیر مختار دولت آرژانتین با ایزان آقای کابوس مارمول نخستین وزیر مختار دولت آرژانتین در ایران دبروز بقیه در صحنه ۲

اعتراضات مردم

مورخه ۲۶/۱۰/۲۶

جناب آقای سردار فاخر حکمت رئیس محترم مجلس شورای ملی ایران

رونوشت روزنامه اسرائیل

محترماً برض آن جناب میرساند مدت شش ماه است که مجلس شورای ملی ایران افتتاح و کرسی نمایندگی یهودیان ایران خالی است و چون آقای آریه که از طرز انتخاب ایشان ذکری نمیکند در تهران نیستند و فعلاً معلوم نیست اصلاً قصد مراجعت داشته باشند لذا از حضور محترم جناب آقای رئیس مجلس شورای ملی درخواست مینمایم انتخابات یهودیان ایران را تجدید نمایند و بدینوسیله اجازه بفرمایند یهودیات ایران هم مطابق مواد قانون مقدس اساسی ایران نماینده خود را بدارال شورای ملی ایران اعزام نمایند.

در انتظار اقدامات و دستورات آن جناب.

احترامات فائزه را تقدیم میداریم. هنر پیشگان سینای

اجمالی از تاریخ فلسفه در قرون وسطی

چنانکه بارها مذكر شده ایم مقصود از ذکر این مختصر از تاریخ فلسفه برای بقیه در صحنه ۳

از مجله صلح و حق چاپ پارسی

دولت فرانسه از رؤسای ایلیانس ایسرا ائلیت قدر دانی میکنند

اعطای نشان به مسیو سیدات شرح در شماره آینده

چرا خود را

بچه از صله اول
منور غوغ کسان که در راه آزادی
پسیده ، بر راه مبارزه با انکار هینتر
جانی و لطمات روز بزرگ دشت های
اروایی مگر زاری وار لگین کرد خستک تشه
است ، هنوز اشک چشم مادران سر که
فرزدان خود را در جهاد مقدس آزادی
از دست داده اند نایبانه است ، هنوز
صدای سیاستمداران که توبه آزادی
ابناه بشر را مگر کول بکست فاشیم و از
بین رفتن برادر بزم میدانند در گوشه
های جهان طنین دارد که باز نم فاشیم
پوسیده ایادی همیشه خود در
پاره ای از کشورها گاشته میشود
و اثر شوم خود را بنام اختلافات
مذهبی ظاهر میکند هنوز منشور
ملل متفق و میثاق سازمان
مال با چشمهای انگران مردم
رنجیده جهان آشنا نشده است
که آرزو افکار و عقاید و تجدید
آزادی آغاز شده است .

پس این خوبها برای چه ریخته شده
است ؟ فرزندان بشر بطاخر چه نتیجه ای
اینگونه در مشرق و مغرب جهان از خون
خود سبیل جاری ساخته اند ؟ آیا جز برای
بدست آوردن آزادی که مورد تهمید
انجمنست ما فرار گرفته بود ؟ پس این
آزادی کجاست ؟

اگر قرار شود که امروز هم
آزادی عقاید مورد تجاوز واقع
شود و بجزم داشتن مذاهب و نژاد
منصوص ، حق حیات و شرافت
اجتماعی افراد را از ایشان سلب
کنند باید اذعان کرد که نسبت به
شهادت جنگ اخیر خبیات شده است
شیانی که تاریخ آسرا ن خود را گشت
و خبیات جزایر ناپلیری که در یازود
فرزدان بشر انتقام آسرا از مسبین
آن خواهند کشید ،

دولتها امروز در اثر وظایبی که
برای ترمیم وضع اجتماعی ملل خود بر
عهده دارند در اثر عوامل فیزی بهادر
چنگ آفرینانند ، شاید نتوانند
همه کارها را کنترل کنند اینجاست
کیست که جلوی این تبلیغات شور را بگیرد
و از پیش آمد حوادث ناگواریکه در
صورت وقوع بینا اثرات شوم و فاسد انگریزی
بیای خواهد گذاشت جلوی گیری نماید ،
در وهله اول کسانیکه مورد حمله
قرار میگیرند ، کسانیکه در این کشاکش
مورد نظر میباشد اجبار دارند از خود
از حریت و شرافت اجتماعی شرم و دفاع
نمایند .

این دفاع چگونه باید صورت گیرد ؟
تنها با تشکیل یک جبهه واحد
و ادامه مبارزه منطقی و صحیح می
توان کسانیکه را که میخواهند با
رواج خرافات و ایجاد اختلافات
گود گانه از بازار آشفته استفاده
کنند از میدان بیرون نمود .
مباری آگاهانه بکنار نه کردن استندانه
موظفیم که این جبهه را بوجود بیاوریم
و تمام افراد از هر طبقه و هر مذهب برای
ادامه زنده گی آبرومندان خود از آن
بیتبانی کنند آنها که در روزگاری تیره بهی
دارند ، آنها که بیشتر سرد و گرم دنیا
را چشیده اند ، آنها که دانش بدست
آورده و مقامی برای خود تهیه کرده اند
آنها باید در صفوف اول جای گیرند .

آنها که در این اجتماع بوسیله
دانش و موقعیت خود دارای عز
و جاهی هستند چطور میتوانند این
مفاهیم را این نقصانها و این محرومیت
ها را در دیده بگیرند و خود را انکار
نکنند ؟

اینها با اجتماع ، با اجتماعی که با
دیده اشکبار دست های خود را به
سوی آنها دراز کرده و مطالب کم کم
میکنند مدیونند .

چگونه و وجدان شان قبول میکنند
که از ادای این دین سر باز زنند ؟
اگر بنا شود که هر کس سرخوش
گیرد و تنها خود را در پناه آفت
تکلیف این درمانده ها و بیچاره ها چه
خواهد شد آنها باید دستی از غیب بیرون
آید و کاری بکنند .

منطق صحیح و دلایلی امروز اینها
می پسندد ، گمان نمیکنم
در یک جامعه رندگی کردن برای

نامه بگمی از برادران ما

بچه از صله اول
خاتین بیواتنه از ساده لوحی و پاکدستی
ایرانیان استفاده و دست به ملیت ناچوان
مردانه خود زند .
زیرا از طرفی امروز افکار اجتماعی
ما بآن اندازه رسیده است که بتوایم
یک را از بدو دورتر از دشمن نیز
دیده ، و از طرف دیگر افکار مروجانه
خاتینی بر همه نسبتنکار گشته و کوس
رسوایی آنها را بر سر همه بازار هوا
زده اند .

امروز دگر روزی نیست که کسی
قریب خوش خط و خالی آن آدمی صورتنان
دو بر صورت را بهورد ، و همه کس به زهر
باطن آن بی برده است .
اساس قضا آنها بر روی این اصل
قرار گرفته که با ایجاد تفرقه بین افراد
ملت قوای ما را تجزیه نمایند و از ضعیفی
که در اثر این تجزیه حادث میشود بفتح
خود استفاده کنند . ولی اگر نتوانند
تفرقه بین مردم ایجاد نمایند هرگز
نخواهند توانست که مقاصد خود را عملی
سازند . زیرا با تجربه ثابت شده است که اگر
اتفاق اتحاد کامل بین افراد یک ملت باشد
هیچ قوای قادر به از بین بردن آن ملت
نیست زیرا قوای ما بین آنهاست که
مافوق کلیه قوای موجوده است .

ز یاد هم باید بدان طبقه از مردم که در
کین هستند نامارا از بین ببرند بناییم
و نامارا گوئیم زیرا آنها بصلاح و نفع
خود کار میکنند و از این باب بر آنها
ایرادی نیست . منتهی وظیفه ما است که
بیدار باشیم و نگذاریم آن اشخاص در
مارخه کنند .

بر ما است که هشیار باشیم و کول
هر کس را نفوریم ، و مغز خاتین را با
مشتی آهنگین خود بریشان سازیم .
آن دشمنانیکه در کین هستند تا
بین افراد ایرانی تفرقه اندازند باید
بدانند که امروز دگر روزی نیست
که بتوانند برای ایران سوار شوند .
زیرا همه بغوی بیک مطلب پس
برده اند و هر چه میباشد بداییم دانستیم
آنها باید بدانند امروز دگر روزی نیست که
بتوانند با ایجاد اختلافات مذهبی سیلهای
خون جاری سازند .

آن دستبازیکه آورده بخون هزاران
بیگناه است قطع خواهد شد ، و آن مغز
هاییکه چنان نقشه های شومی برای ملت
ایران طرح میکنند سرنگون خواهد گردید
باشد روزی که بنده انتقام خلق آن
ناچوانان را بشنود و سزای اعمال
آنان را بدهد .
ناپود باد آن کسانیکه در صدد هستند
با ایجاد تفرقه ملت ما را از بین ببرند
جایزید با دوستی و اتحاد
این کلیه افراد وطن
با تقدیم احترامات فائقه
مهندس علی زرین فر

طرز ختنه امروزی ما قابل انتقاد است

بچه از صله اول
راجع باصل موضوع ختنه پیدا شده است
مواقفین میگویند وجود دغله یا پوسته
زیادی موجب تولید کفایت است و در عالم
طب نیز منطبق است که شکیج های این
دغله کانون مسامحه برای پرورش
میکروبهای مصلیب و سوزاک و غیره
تشکیل میدهد .

بنامطردارم که استادم در دانشکده
پزشکی میگفت در جنگ بین الللی سابق
یک پزشک نظامی در ریات که در یک واحد
نظامی ابرادخته ندهد بهر آب پیش از
امراد ختنه شده بناخوشی های مقاربتی
دوچار شده اند .

تنها دلیل مخالفین اینست که میکوبند
دغله عضوی است حساس و وقتی بریده
شود احساس لطیف جنسی را که مالا به
تکثیر نفوس منجر میگردد از حد معمول
کمتر خواهد کرد و حال آنکه اگر منظور
تکثیر نفوس باشد قدر مسلم آنست که
خانواده های پوری که مردانش همه ختنه
کرده میباشد بطور کلی باور و بچه دار
میشوند و از این حیث نه تنها از دیگران
عقب تر نیستند بلکه خیلی هم جلو تر
میشوند .

ختنه بدست ملاحی امروزی
مسلم اینست که امروزه بهر سبب ما
باید ختنه شویم و ختنه هم میشود اما اصل مطلب
ما نیست در طریقه ختنه کردن و در طریقه
است که در انجام آن بکار برده میشود تصور
نمی رود از خوانندگان بودی کسی باشد
که طرز ختنه ای را که امروزه در میان
ما بدست ملاحی اجرا میشود ندیده باشد
لکن باید پرسید آیا منوجه معایب آن
شده باید یا نه ؟

بطور خلاصه معایبی که در طرز ختنه
امروزی ما (که خیلی هم بدان میبایم
که متبکر آن بوده ایم) مشاهده میشود
از این قرار است .

(۱) ختنه کننده بدون
اینکه کوچک ترین توجهی به
پاکیزگی خود داشته و حتی یک
بار هم در اینموقع دستهای خود
را با آب و صابون شسته باشد
اقدام بعمل ختنه که گاملا یک
عمل جراحی است مینماید .

(۲) هیچ وسیله ای برای ضد
عفونی کردن موضعی که میخواهد
لحت عمل قرار گیرد از قبیل
مرکورو گرم و الکل و اتنورید
بکار برده نمیشود و بر فرض
هم که در دسترس باشد طریقه
استعمال آنها را نمیدانند .

(۳) عمل بریدن شانه را بنا
چاقوئی که طبق اصول مقرر
ضد عفونی نشده انجام میدهد
(۴) عمل پیری ۱۶۶۵ را که

یک ضایعه اسف انگیز

بناود کنر لاطه سیاح که از زمان
فاصله کشور دارای دو کرسی اسنادی
در دانشکده بوده هت گذشت . دو اثر
سکته قلبی بدوود حیات کنند .
این ضایعه تاسف آور عالم فرهنگ
ایران را داغدار و عموم فرهنگیان را
متاثر نمود .
در گذشت شادروان لاطه سیاح
برای فرهنگ کشور ایرات ضایعه
بزرگی است .
ایرانیز - از این ضایعه الم آور
بازارت قلبی خود را ابراز میداریم .

شکانتن از آلود گیهای میکروبی پاک
کرده باشند دیگر زخم چرک نمیکند .
در حقیقت میشود گفت که جراحی بزرگ
نشود و وجود خارجی پیدا نکرد مگر
اثر بی بردن باصول پاکیزگی و جلوگیری
از ورود میکروب در زخمها
آیا امروز میتوان انکار کرد که
وجود میکروب در زخم منکست موجب
تولید جراحت باسرخ گرازا با امثال آن
گردد ؟

یا اگر پاک جانو دو نلرا ختنه
کنند که اولی مبتلا بکوفت موروثی
باشد دیگری هم منکست بدان مبتلا
گردد ؟ امروز دیگر این ضایعا بطوری
روشن شده که هر کس میخواهد با بی
اعتنائی بدانها بنگرد اعتنائی بوجود
نمیکند و بقتل میبخشد .

پیرا (۱۶۶۵)
عمل شکانتن و بر کردن پرده داخلی
دغله که با عنوان عبری ۱۶۶۵ در طرز ختنه
ما متداول است اصولا عملی است ملید
و میتوان از این عمل تکلیفی در امر ختنه
محبوب داشت زیرا با انجام هدف اصلی
که از بین بردن کانون پرور میکروب
باشد تردید نمیشود .
حتی اگر مطابق اصول نوین مغرب
زین عمل پوست دوری را که فعلا
مطابق اصول معمول ما از وسط شکافه
میشود برید و دور بیاندازد از طریق
قلبی هم کاملاً است زیرا در آن صورت
دیگر هیچ احتیاط نامطلوبی باقی نخواهد
ماند .

اما قدر مسلم آنست که انجام این
عمل باناشن بلند فلفط و در اصول بهداشتی
و طبی امروزی بکنی ندرت است .
امروزه چه باید کرد ؟
تأسی که از مطالب فوق بدستی
آید اینست که
اولاً ختنه کننده باید طیب باجران
باشد البته با رعایت مراسم مذهبی
نایبانه آیین نامه یا دستوری را
که برای ختنه وضع شده ولی برخلاف
قوانین طبی امروزه بساید کسار
گذاشت .

ضمناً باید دانست که چنین ختنه
و شستن و ضد عفونی کردن دست و ختنه
گاه و جوشاننده اسباب کار و انجام عمل
«پیرا» بقیه جراحی جوشانده هیچکدام
با اصول مذهبی ما سازگار نباشد
هنوز سالیهای خیلی زیادی نمیکرد
از موقتی ملاحی سابق آلت کودک
را در موقعت ختنه باصطلاح (۱۶۶۵) می
کردند و حال آنکه همه کس میداند که
این عمل منکست موجب سبب امراض
معدی و جزو مراسم لازم مذهبی می
دانستند و حتی امروز منکست است اشخاص
شرافاتی این عمل را تجویز و در صورت
اطفال خود انجام میدادند لکن بطوری
که مشاهده میشود مردم بطور کلی بی
بشراحت آن برده دیگر اجرا نمیشوند
پس همانطور که رفته رفته در نتیجه
روشن شدن اذهان آن عمل معلوم
ممیسا از میان رفت بطور خوشی میتوانیم
اصول صحیح ختنه را موافق قواعد بهداشتی
طبی رعایت و در بین همه افراد ملت تبیین
نماییم بی آنکه لطمه ای بتوانیم مذهبی
زده بشویم

طرز کار فرعون بدوی و حتی فرعون
وسطی بدر امروزه جهان نمیکرد چه
روزگاری بود که با سنگ پنخا هم
ختنه نمیکردند اما آبا امروز با وجود
وسایل عالی جراحی پستند است ؟
این بود آنچه بحکم وجدان و
بقتضای صلاحیت فطری خویش خود را
از گفتنش ناگزیر میباشتم
دکتر لاور

با فلاسفه آشنا شوید

بقیه از صله اول
آشنایی با تاریخ و طرز عقاید فلاسفه
گذشته میباشد و فلسفه جدید مترقی
تقریباً کلیه عقاید حکمای قدیم را رد
نموده مباحث فلسفی امروز متکی بر دلایل
روشن و تجربی های قانع کننده میباشد .
در شماره های گذشته مختصری از
اصول کلی فلسفی مکتب یونان قدیم نظر
خواننده گان رسیدند در این شماره بطور
توق اندامه مختصر تاریخ حکمت از بعد
از ارسطو تا زمان تجدید حیات علم
Renaissance در اروپا سخن میگوئیم
در طول این زمان چندین چیزی بر
تحقیقات حکمای اولیه افزوده شده
است از جمله چندی نیز ظهور کرده است
ایفور Epicure است که انسان را
مختار در اعمال خود میداند و
و جبر و ضرورت را منکر است
دستور اخلاقی ایفور برار از بر میباشد
حکیم باید باضت بکشد و از امر
نترسد کامرائی و شوش گارائی را بر
خود حرام کند تا بر اس تسلط یابد .
دیروز این حکیم از ساسه (کلیها)
است در فقر و نرسد و اسباب دنیوی کار را
بجای رساند که در شماره ای منزل کرد
و لوق الماده از مردم بدین بود .
مرفوف است وقتی در روز روشن
چراغ در دست گرفته در شهر میگردید
از او سبب پرسیدند در جواب گفت
« انسان مجبورم » .
حکیم شهرمولوی دره نشوی از این
نصت لبر یادی کرده
« دی شیخ با چراغ همی گشت کرد

شهر - کرد بود معلوم و اسام آرزوست
و حکایت رو بر روشن بودن با سکنر
کبیر راه شاید خواننده گان شنیده باشند .
روایق هداسته ای از فلاسفه یونان
سفرات بودند منتهی با این فرق که اصل
جهان را از آتش می دانند لکن برای
حالم دورانی قائل بودند بدین معنی
که هر دوران که آغاز میگردد مانند
دوره پیش جریان خود را طی کرده و
متلاشی میشود و دوران تازه ظاهر می
گردد .
پس انسان را عالم کوچک نام می
نهادند و عقل را بر عالم صغیر حاکم می
دانستند و میگفتند هر چه عقل آرزو کند
بدان خواهد رسید . مرفوتر بر سر آنها
« مارک اورل » ابراطور معروف روم
میشد .

شکاگان این جماعت از حکمای
هستند که میگفتند چون انسان برای کسب
بقین در امور میزان و مایل صغیر ندارد
و چون حس ما خطا کار است و عقل ما از
اصلاح خطای حس عاجز است و اشخاص
مختلف دارای ادراکات مختلف میباشد بنا
بر این هیچ امری را نمیتوانت جز می
حسی دانست و لذا در تمام امور شک
داشته .

افلاطون این آخرین در میان این
دسته از حکما لولطین (Plotin) از همه
مشهورتر میباشد .
این فیلسوف از عقاید پیشینیان
بهره کلی داشت بافزون در میان با یاران
آمد (زمان شاهپور پسر اردشیر حدود
۲۵۰ میلادی) از اهل ریاضت بود و نوشته

شرکت سهامی چاپ

اسیران

چرا مجلس و دولت

توجهی بحال ملت ایران ندارند؟

توجهی از ملت اول
انزجار خود را نسبت بان ایزد دادند.
بود. همان قدر و معروفیت، عمان
بلاتکلیفی و ناامنی، همان نظر و بی‌باده‌گری
پار دگر گریبانگیر ملت رنجید، و
سنتکشی ایران شد. پس از جنگ
دولت‌های ژود گذر بنظور تأیید
مقاصدی خاص و استوار سیاست‌های
نظیر ملی یکی پس از دیگری روی کار
آمدند که گذشته از اینکه کمترین تأثیری
در بهبود اوضاع و خیم ملت ایران نداشتند
بغیر این و تبااهی حال این ملت و کشور
نیروافزودند. یکی از زاینخش ترین
آثار بکه از دولت‌های گذشته باقی ماند
و تبلیغ شوم آن برای ملت ایران بسیار
گران تمام شد و ضمه انتخابات دوره
پانزدهم مجلس شورای ملی بود که
بواسطه تشبثات و اعمال نفوذ‌های
دست ملت از انتخاب نمایندگان واقعی
خود، نمایندگان لایق و وطن پرست
گوناگون شده، چنانکه اثرات نامیوس آن
با در نظر گرفتن جریاناتی که هم‌روزه
در سراسر کشور مشهود است و با توجه
به بازیهای سیاسی که در این مملکت صورت
میگیرد در همه جا آشکار است. چنان
قدر و ناامنی بی سابقه‌ای گریبانگیر
ملت شده است که هم از آینده خود
بی‌نیاید.

آقای آیت الله کاشانی در بیانیه
خود که در سرمقاله شماره ۱۴۸۵، مورخه
۱۷ اسفند روزنامه کیهان چاپ رسیده
چنین اظهار میدارند: ... فلانچنانچه
می‌بینیم اوضاع عمومی مملکت از همه
جهت بسیار بد و ناهنجار و اندک غفلتی
در امور مملکت برای سون خواهد
داد که مسلماً انتهای آن فنا و نابودی
است.

... باید دانست که اکثریت قاطع
مردم مملکت که بگانه عامل تولید
ثروت و وسایل زندگی عامه هستند
بالاخص در مناطق وسیع جنوب ایران
حتی قادر نیستند که خرابی‌ها را درست
آرد نموده سد جوع کنند.

در همین مناطق جنوب و جنوب
شرقی و غربی ایران گذشته از اینکه
مردم بی‌نوا با فقر و فاقه دست‌بگریبانند
بیت‌نداشتن دار و وطنیپ روزی صدها
نفر مظلومانه پندار نیستی رهسپار
میکردند. مردم بیچاره آن مناطق
حتی باندازه ستر عورت پارچه در اختیار
نداشته و گاهی ناچار با علف‌ها صحرای
اوتراق و امرار معاش می‌نمایند ...

زین است وضع مردم کشوری که
دستگاه تبلیغاتی دستگاه‌های حاکمه
برای وارونه جلوه دادن حقایق و
پرده پوشی واقعات، همواره در آزادی
و استقلال و دموکراسی می‌زنند مردم
را بوعده‌های بی‌عمل امیدوار میکند.
چنانکه از سالهای پیش ملت را
با الفاظ و نوید های فریبنده - مصل
کرده‌اند. آنچه تصویرنامه‌هایی که
گذشت، آنچه لویجی که تصور می‌رسید
کدام یک برای بهبود اوضاع خراب
مردم مفید افتاد؟

تنها انتظار بکه برای ملت باقی‌مانده
بود همانا انتخابات و نتیجه اینکه از
احمال نمایندگان بی‌بایستی بدست آید
بود.

انز منوس آن انتخاباتی که کلیه
جریانات آن در سایه اعمال نفوذ ها و
حق شکنیها صورت گرفت هنوز در
راسر کشور هویدا است و نمره تلخ
آن تا آخرین حد توانایی خود کوشش
همه‌ای که بیش از سایرین مورد تظاول
و پیدادگری قرار گرفتند و آشکارا احتش
را در سایه بند و بست و حق‌کشی پایمال
نمودند جامه بهبود ایران بود، زیرا
ار به همان نماینده گریز با همان شخصی

که برای کسب منافع سرشار شخصی
خواست از عنوان «نماینده‌گی» در
ممالک خارجه سوء استفاده میکنند.
همان کسیکه به بدبختیها، در بدری
ها، ناله ها، گرسنگیها و محرومیت
های یک جامعه یکصد هزار نفری و قومی
نهاد بکرم برادرزن و پدر زن بهائی
خود و بدستگیری چند نفر از خدا
ظالم پرورد در پناه بعضی مقامات سیاسی
ناجوانر دانه و غاصبان، حق را پایمال
نمود و بوقع خود و طرفدارانش غصب
کرد.

بنا باظهار یکی از طرفداران
سینه چاک اریه برای موفقیت در عمل
خلاف وجدان خود برای اشخاصی چک
های چندین ده هزار تومانی صادر
میکردند. در حالیکه هزاران نفر بی‌نوا
که اریه میخواستند خود را نماینده آنها
قلند و بی‌نام آنها کیل شود از گرسنگی
و فقر جان تسلیم میکنند که اریه را
خواهانش کمترین توجهی با آنها ندارند
با بارها فریادها کردند و اعتراض
ها نمودیم و ناله های مردم محروم و
سرگردان را بسمه مقامات مسئول رساندیم
و از آنها طلب کمک نمودیم و تقاضای
رسیدگی بمطالبات قانونی قسمتی از
افراد ملت را نمودیم، ابدا هیچ مقام و
هیچ شخص مسئولی توجهی ننمود.
معلوم نیست در این مملکت مجلس
دولت هیچ رابطه‌ای نباید با ملت داشته
باشد؟

آیا برای یکمرتبه هم دولت و
مجلس نباید متوجه شوند که بی‌بودیان
ایران هم جزء ملت این آب‌وخاک هستند؟
آیا نباید توجه داشته باشند که ما هم
حق داریم و قانون اساسی مملکت
حقوقی برای ما اختصاص داده است
که بایستی به ما داده شود؟

در چندین پیش طی مصاحبه
ایکه با آقای سردار قاسم حکمت
رئیس مجلس شورای ملی بعمل
آمد وعده دادند که کسی برای
روشن شدن وضع نماینده
یهودیان خواهند نمود، انتظار
داشتیم همانطور که قول دادند
بموقع برای تعیین تکلیف یهودیان
ایران که جزئی از ملت رنجیده
و محروم ایران هستند اقدام
نمایند.

ماهها میگذرد و لسی هنوز
نتیجه‌ای معلوم نشده است.

نه دولت وقتی میگذارد و نه مجلس
توجهی دارد. پس تکلیف یکصد هزار
نفر بی‌بودیان ایران چیست؟ آیا جزء
ملت ایران نیستند؟ اگر دولت و
مجلس خود را موظف ندانند که بناله
ها و فریادهای افراد ملت توجه کنند
در حدود وظایف قانونی برای احقاق
حق آنها اقدام نکنند، تکلیف مردم چه
خواهد بود، بکجا باید رو آورد و شکایت
کنند؟

یهودیان ایران حق خودشان را
مطالبه میکنند، حق را خواهند که
قانون اساسی مملکتی برای آنها تعیین
کرده است و بایستی با آنها داده شود،
تا قانون اساسی برقرار است این حق
هم مسلم و محرز است.

ما تا آخرین دقیقه حق خود را
مطالبه میکنیم و برای بدست آوردن
آن تا آخرین حد توانایی خود کوشش
مینماییم.

ما نمیتوانیم خیانت اریه و خطای
چند نفر فقیر پرست هوا خواه او را به
قیمت حیثیت و حق اجتماع یک جامعه
بر خود هموار کنیم.

جامعه هوشیار تر از آنست که:

بقیه از ملت او
کار میباید و اقل در حال چنین از هم
میباشند و گاهی نیز از وجودشان بسیار
ضروری باشد (مثلاً حیرای ما) بطور
نیمه جان با وجود عامل بزدگی پس
رنک و بی‌خوابی خود ادامه میدهد.
بطور لودر: این محیط تشکیلاتی
توان یافت به خوانند بر پا های خود
تکیه کند برادر، بارزه صبیح آماده
باشد.

چرا ...
آیا جامعه ما فاسد است ... آیا
مردمان کشور ما رشد فکری سیاسی و
اجتماعی پیدا نکرده و قابلیت انجام کار
های خود را ندارند ...
آیا باید اوضاع آفتاب خراب و
در هم ریخته تا دست غیبی کارها را برای
ما اصلاح کند ...
خیر ... بهرچه چاره چینی نیست.
هیچ جامعه‌ای ممکن نیست

فاسد بتمام معنی باشد ...
مردمان هر کشور برای
انجام کارهای خود بوجه احسن
دارای رشد سیاسی و اجتماعی
میرباشند و احتیاج بقیمت نخواهند
داشت ...
این جا بیک سؤال بزرگ روبرو میکنیم
که اگر چنین است و هر جامعه می‌تواند
بدرستی خود را اداره کند، پس بچه علت
اوضاع اجتماعی آفتاب خراب بوده و
تباهی در کلیه شئون زندگی ما رخنه
پندند.

باجلات شیرین زیر نقاب غیر خواهی
و دوستی ... نصیحت میکنند ...
سای آقا حوصله داری، سازمات
بازی و روزنامه نویسی یعنی چه ...
احمد اش برای اداره جامعه خودمانی
وسایل کافی داریم: قوانین شریعی مدنی
کامل ... تشکیلات دولتی وسیع و مقنن
مدارس ایران ... دیگر اینها چه ...
گویند ... سرشان درد نمیکند ...
دستمال می‌بندند ... ما سازمان روزنامه
می‌خواهیم چکار ...

وقتی از این آقای ناصح و فمیده
سؤال شود آیا جامعه ما بدبختی ها و
دردها و محرومیت های دارد یا نه ...
آیا باید برای اصلاح و رفع این بیچارگی
ها اقدام شود یا خیر ... شما این جواب
را خواهد داد: من تمدن می‌کنم بیچارگی
ما زیاد و بدبختی های ما فراوانند ولی
دوران عرش شده مردم بد شده‌اند سابقاً
این طور نبود ...

برای اثبات مدهای خودش یک فقه
از کتاب حسین کردی برای شما نقل
میکند ...
خواننده عزیز این گونه اشخاص
مرض روحی دارند و بدرد چه
ورکود فکری دچارند ...
با علم و آرماتک جدیدشینی دارند
و هیچگاه حاضر ب همکاری با تشکیلات
اجتماعی بطرز مترقی نیستند. متأسفانه
این مرض در جامعه ما ریشه های عمیقی
دارد ...
کروم بگریز هستند که دار طلبانه
برای کارهای اجتماعی حاضر نمی‌باشند
لذا کاری کنند ولی متأسفانه در این گروه
نیز امراض روحی عمیده و جور بچور
دیده میشود ...
بعضی میگویند روزنامه لازم است
ما احتیاج به تشکیلات صحیح و مترقی
داریم، باید برای اصلاح جامعه کوشش
کرد ...

اما اینها همه اشتباه میکنند ...
کار خودشان را نمی‌بینند انجام میدهند ...
روزنامه نباید چنین و چنان نویسد ...
در سازمانهای اجتماعی نباید فلان کار
را کرد بعد از یکسلسله قبول خودش
انتقادات ... بادی در کوا انداخته
با صدای آمرانه و ترس خود را ترویج
مینماید ... فمیده «من» باید در روزنامه
اینها نوشته شود، و کارهای جامعه را
این طور مطابق نقش «من» باید عمل
کرد «چون راه صلاح این است»
این گونه رفتارهای ما برش خود پسندی
دچار هستند خودشان را بالای جامعه می
دانند هیچگاه نمی‌خواهند بشنوند که
ممكن است جامعه از او فمیده را بشند
اگر بخوانند در تشکیلاتی که هدایت کنند
یک شرط دارد و باید آنها را پس باشند
و دیگران از اصلاح اندیشی آنان بی‌روی
و اطاعت کنند ...

و هیچگاه خودشان حاضر بقبول
نظر به سایرین، ولو هرچه صحیح و منطقی
باشد نیستند، اگر نگرانی به آیات
داده شود، به دامن قبایشان بر می‌خورند
«ادهمی»

بزرگان بود در دنیا

دولت نزار بر آنها روا میدادند و در
نتیجه فشارها و کشتارهایی که بر آنها
وارد می ساخت بود. آن روسیه در
انقلاب اکبر نقش مهمی را بازی کردند
و بسیاری از افراد برجسته آنها مانند
«کاکانوویچ» و «ویشینسکی» و «گرومیکو»
در برقراری رژیم نوین و مترقی
«سوسیالیستی» و استقرار دولت کارگری
«شوروی» بسیار مؤثر بودند و به بل شوروی
دختمات گرانبهای نمودند.

اینک در این مقاله مختصراً از جنبی
از این سد ها و موانع گذشته بگوئیم؛
برای اینکه مطلب روشن تر و بهتر تجزیه
و تحلیل گردد بگذاریم میبازیم.
یک سازمان اجتماعی در شرف تاسیس
است، افراد با شوق و ذوق زیادی برای
مشکل کردن آن دست و پا میکنند،
اساسنامه، امرنامه، و نظامنامه دست و
پا شکسته تدوین شده و در معرض افکار
عمومی گذاشته میشود ...

این جا است که در تزلزل «عجب و
عریب» برای محکوم کردن مؤسسه
سازمان، با ناشرین و نویسنده گان روزنامه
و مجله، از دهان اشخاص مختلفه شنیده
میشود، اینهاست که امراض روحی افراد
جامعه بطرز روشن و آشکاری بروز و
ظهور میکند هر کسی انتقاد میکند
و غالب این انتقاد کنندگان بقتضای
مرض روحی که دارند می‌خواهند جامعه
با افراد سازمانی ناشرین و نویسنده گان
روزنامه را محکوم و خردودشان را آدم
هانل، فمیده و میرزا از هر چه، نشان
پندند.

باجلات شیرین زیر نقاب غیر خواهی
و دوستی ... نصیحت میکنند ...
سای آقا حوصله داری، سازمات
بازی و روزنامه نویسی یعنی چه ...
احمد اش برای اداره جامعه خودمانی
وسایل کافی داریم: قوانین شریعی مدنی
کامل ... تشکیلات دولتی وسیع و مقنن
مدارس ایران ... دیگر اینها چه ...
گویند ... سرشان درد نمیکند ...
دستمال می‌بندند ... ما سازمان روزنامه
می‌خواهیم چکار ...

وقتی از این آقای ناصح و فمیده
سؤال شود آیا جامعه ما بدبختی ها و
دردها و محرومیت های دارد یا نه ...
آیا باید برای اصلاح و رفع این بیچارگی
ها اقدام شود یا خیر ... شما این جواب
را خواهد داد: من تمدن می‌کنم بیچارگی
ما زیاد و بدبختی های ما فراوانند ولی
دوران عرش شده مردم بد شده‌اند سابقاً
این طور نبود ...

برای اثبات مدهای خودش یک فقه
از کتاب حسین کردی برای شما نقل
میکند ...
خواننده عزیز این گونه اشخاص
مرض روحی دارند و بدرد چه
ورکود فکری دچارند ...
با علم و آرماتک جدیدشینی دارند
و هیچگاه حاضر ب همکاری با تشکیلات
اجتماعی بطرز مترقی نیستند. متأسفانه
این مرض در جامعه ما ریشه های عمیقی
دارد ...
کروم بگریز هستند که دار طلبانه
برای کارهای اجتماعی حاضر نمی‌باشند
لذا کاری کنند ولی متأسفانه در این گروه
نیز امراض روحی عمیده و جور بچور
دیده میشود ...
بعضی میگویند روزنامه لازم است
ما احتیاج به تشکیلات صحیح و مترقی
داریم، باید برای اصلاح جامعه کوشش
کرد ...

اما اینها همه اشتباه میکنند ...
کار خودشان را نمی‌بینند انجام میدهند ...
روزنامه نباید چنین و چنان نویسد ...
در سازمانهای اجتماعی نباید فلان کار
را کرد بعد از یکسلسله قبول خودش
انتقادات ... بادی در کوا انداخته
با صدای آمرانه و ترس خود را ترویج
مینماید ... فمیده «من» باید در روزنامه
اینها نوشته شود، و کارهای جامعه را
این طور مطابق نقش «من» باید عمل
کرد «چون راه صلاح این است»
این گونه رفتارهای ما برش خود پسندی
دچار هستند خودشان را بالای جامعه می
دانند هیچگاه نمی‌خواهند بشنوند که
ممكن است جامعه از او فمیده را بشند
اگر بخوانند در تشکیلاتی که هدایت کنند
یک شرط دارد و باید آنها را پس باشند
و دیگران از اصلاح اندیشی آنان بی‌روی
و اطاعت کنند ...

و هیچگاه خودشان حاضر بقبول
نظر به سایرین، ولو هرچه صحیح و منطقی
باشد نیستند، اگر نگرانی به آیات
داده شود، به دامن قبایشان بر می‌خورند
«ادهمی»

اندره ویشینسکی

امروز بعد از اتالیق و موافق
مردی که بزرگترین مسئولیت کشور
شوروی را در دست دارد، دره ویشینسکی
میباشد. ویشینسکی که پیش از دوسال
ایست اشتهار بین المللی پیدا کرده
است، در دهم فوریه سال ۱۸۸۳ در
شهر ادسا از یک لامل بورژوا بدنی
آمده است.

ویشینسکی پس از پایان تحصیلات
متوسطه وارد دانشگاه حقوق شهر
«کیف» شد و بدری باهوش بود که
در کلیه مواد درسی شاگرد اول شد،
چنانکه در هجده سالگی موفق به اخذ
لیسانس حقوق گردید. پس از پایان
تحصیل مدتی به قضاوت مشغول شد ولی
چون در زمان تحصیل فعالیت سوسیالیستی
میکرد و عضویت حزب سوسیالیستی
قبول کرده بود، مدتی تحت نظر پلیس
بود و بعدها از کیف اخراج شد و به
با گوروات و در آنجا دست از فعالیت برآید
خود را تکلیف. در ۲۲ سالگی عضو کمیته
انقلابی با گوشه نشین و چند سببایی گذشت
که دستگیر و به سربریه تبعید گردید.
چندی بعد آزاد شد و مجدداً فعالیت
سیاسی خود را دنبال کرد و باز دستگیر
و به سربریه تبعید شد ولی آنجا در آن
گرفتار بود و همواره حزب بلشویک حاکم
بر ممبرات شد و از این جهت بسیاری از مخالفین
تبعید شد. دوسال بعد در سال ۱۹۲۵
استاد دانشگاه حقوق مسکو شد. از سال
۱۹۲۸ چون مردمی با انرژی و تیزهوش
بود ترغیبش شروع شد و یکی از
بزرگترین قضات عالی مقام شوروی گردید
و در آن وقت بود که مأمور تعقیب مخالفین
رژیم انقلابی شد.

پس از آن دادستان کل و منصفترین
فرد قضایی شوروی شد و ماموریت بزرگ
دیگری که عبارت از تصدیه هزاره عرب
بود به عهده گرفت. ویشینسکی در زندگی
فقر و نیاز میکند، استفاده نمیکند، سازمان
را بدین عضو سرپرست میکنند ...
اینها بیخیال خودشان استقلال
رای دارند و آزاد روشند ...
ولی متأسفانه این خود یک مرض روحی
اجتماعی است و این گونه خود پسندان
را باصلاح علمی لیبرالیسم میگویند
این آقایان لیبرالها در هر
سازمان اجتماعی باسیاسی که باشند یا
انضباط دشمن هستند: رعایت نظامنامه
با تذکرات مفید به بزرگوار و وجود
مقدسان بر می‌خورند، همیشه در زیر نقاب
آزادی عقیده و بزرگ انتقاد به الفاظی
برداخته برای بزرگ نشانند تحکیمات
خود معاجه و مباحثه میکنند مطالب یک
نوع هر چه و مرج مخصوص هستند.

این بیچارگان باید مرض
انحوت و غرور و خود پسندی را
در وجود خودشان بکشند، فکر
خودشان را باید از قید بلای هر چه
و هر چه طالبی رهائی دهند تا بمانند
که هیچ جامعه‌ای هیچگاه فاسد و جاهل
نخواهد ماند. باید ترتیب صحیح و تشکیلات
اجتماعی وسیع و مقنن و بی‌نا و مبارز
می‌توان تمام مایب و مفسادها در زمان
کوتاهی بوجه احسن رفع نموده و زمینه
مساعده برای زندگی راحت و آبرومندی
ساخت.

در اطراف این موضوع هم اجتماعی
بپردازین بیشتر بحث خواهیم کرد.
ش • سپوراج

در این سال ابتدا سیر کبیر روسیه
در الجزیره و سپس مأمور حل و فصل
قضای سیاسی باقی‌مانده چکوسلواکی
برای متار که جنگ با این دو کشور شد
سپس به عنوان نماینده سیاسی شوروی
بفرانسه رفت.

مسئله روحانی و کشورهای دیگر
بالکان را نیز با مهارت عجیبی حل کرد
بسمت نمایندگی فوق‌العاده و مدافع دائمی
منافع شوروی در سازمان ملل متحد منصوب
شد و از این تاریخ بود که کلیه مسئولیت
های هیئت خارجه شوروی یعنی بزرگ
ترین مسئولیت بین المللی بگردن این مرد
افتاد و بنسبیت دفاعی مؤثر خود و
حفظ منافع شوروی در قضایای مربوط
ببالکان - ایران - لبنان - یونان -
چین - ژاپن - آلمان و همچنین ملاقات
با مارشال تیتو چنان اطمینان و اعتماد شوروی
را بخود جلب کرد که با اجازه داده
شد در حل و فصل مسائل سیاسی خود مختار
باشد و ضمناً تصدیق بگردید و این حق است
که حتی مرلوف هم دارای آنت نی
باشد.

ویشینسکی در عین حال که نماینده
شوروی است مامور کل وزارت امور خارجه
شوروی نیز میباشد.

ویشینسکی در عین حال که نماینده
شوروی است مامور کل وزارت امور خارجه
شوروی نیز میباشد.

ویشینسکی در عین حال که نماینده
شوروی است مامور کل وزارت امور خارجه
شوروی نیز میباشد.

اخلاق و خصوصیات زندگی

ویشینسکی در عین حال که نماینده
شوروی است مامور کل وزارت امور خارجه
شوروی نیز میباشد.

ویشینسکی در عین حال که نماینده
شوروی است مامور کل وزارت امور خارجه
شوروی نیز میباشد.

ویشینسکی در عین حال که نماینده
شوروی است مامور کل وزارت امور خارجه
شوروی نیز میباشد.

ویشینسکی در عین حال که نماینده
شوروی است مامور کل وزارت امور خارجه
شوروی نیز میباشد.

ویشینسکی در عین حال که نماینده
شوروی است مامور کل وزارت امور خارجه
شوروی نیز میباشد.

ویشینسکی در عین حال که نماینده
شوروی است مامور کل وزارت امور خارجه
شوروی نیز میباشد.

ویشینسکی در عین حال که نماینده
شوروی است مامور کل وزارت امور خارجه
شوروی نیز میباشد.

ویشینسکی در عین حال که نماینده
شوروی است مامور کل وزارت امور خارجه
شوروی نیز میباشد.